

عوامل ابتلا به لقمه حرام (در غیر معاملات)

مقدمه

یکی از سوگندهای موجود در قرآن کریم، سوگندی است که شیطان برای گمراهی انسانها خورده است. قرآن کریم، سوگند شیطان را این گونه بیان می کند: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»؛ (۱) «گفت: به عزت سوگند، همه آنان را گمراه خواهم کرد.» تأکیدهای پی در پی در این آیه (قسم از یک سو، لام و نون تأکید ثقیله از سوی دیگر و کلمه اجمعین از سوی سوم) نشان می دهد که او نهایت پافشاری را در تصمیم خویش داشته و تا آخرین نفس بر سر گفتار خود ایستاده است. البته این سوگند در یک گروه کارساز نیست. که قرآن کریم با جمله «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»؛ (۲) «مگر بندگان خالص تو، از میان آنها!» از آنها یاد می کند آنان تمام تلاش خود را برای دوری از دام شیطان به کار می گیرند و از خداوند در این راه استمداد می جویند. یکی از این راههای نفوذ شیطان، تلاش برای وارد کردن مال حرام در زندگی انسانها است. درآمد حرام در هر شغلی امکان پذیر است و هر کسی امکان غوطه ور شدن در این گرداب را دارد. در جلسه گذشته (۳) به بررسی برخی از راههای ابتلای انسان به لقمه حرام در معاملات پرداختیم. در این مقال نیز به مواردی از راههای ابتلا به لقمه حرام در غیر معاملات اشاره می کنیم:

1. کم کاری

کم کاری و اتلاف وقت و فرصت سوزی، یکی از آفات مشاغل در کشورمان است. این آفت علاوه بر زیانی که متوجه اقتصاد کشور و افراد ذی نفع می کند، فرصتهای بسیاری را هدر می دهد و گاه درآمد حاصل از کار را نیز با مشکل مواجه می سازد؛ چرا که در برخی کارها، فرد یا افراد خاص و یا بیت المال مسلمانان صاحب نفع است و هر نوع کم کاری به ضرر آنان منتهی می شود. نمونه ای از کم کاری در کارهای مختلف عبارت است از:

کارمند یک اداره که کارهای روزانه را با آرامی انجام دهد تا برخی از کارها در ساعت اضافه کار انجام پذیرد.

کارمند یک شرکت یا اداره که حقوق می گیرد تا کار ارباب رجوع را انجام دهد؛ اما به هر دلیلی که از دید مسئولان آن اداره غیرموجه است کار مراجعان را به روزی دیگر می اندازد.

بنّا یا کارگری که کار یک روزه خود را چند روزه انجام می دهد تا درآمد بیش تری کسب کند. این مثال در همه کارهای ساعتی یا روزانه صدق می کند.

کم کاری یا کم دقتی برخی کارگران کارخانه ها که عاملی برای متضرر شدن دولت یا صاحب کارخانه شود.

طلبه یا روحانی که در قبال گرفتن شهریه موظف است به تحصیل یا تدریس و تبلیغ بپردازد؛ اما از وقت خویش در راه انجام این وظیفه استفاده نمی کند.

معلمی که به خاطر کارهای دیگر با کسالت و خستگی بر سر کلاس درس حاضر می شود و از بازگو کردن بسیاری از نکته های درس باز می ماند؛ به تعبیر دیگر برخی فرهنگیان بهترین وقتشان را در جاهایی همچون تدریس خصوصی یا مدارس غیرانتفاعی و... صرف می کنند؛ در حالی که وظیفه اصلی آنها تدریس در مدارس دولتی است.

البته برخی از کم کاریها، با بهانه هایی توجیه می شود که قابل پذیرش نیست؛ مثلاً برخی می گویند این شرکت یا

اداره و... حقوق را به اندازه نمی‌دهند یا به موقع نمی‌پردازند؛ در حالی که باید به این نکته توجه داشت که هر کس با اراده و اختیار و با علم به میزان درآمد، وارد آن کار می‌شود و تأخیر در پرداخت حقوق نمی‌تواند دلیل موجهی برای کم‌کاری باشد.

2. کم‌فروشی

یکی از گروه‌هایی که مورد تهدید خداوند متعال قرار گرفته‌اند، کم‌فروشان می‌باشند. قرآن مجید در سوره مطففین به کم‌فروشان می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ»؛ (۴) «وای بر کم‌فروشان!» این آیه توبیخی است از ناحیه خداوند نسبت به کم‌فروشان که حق مردم را به طرز ناجوانمردانه‌ای پایمال می‌کنند. «ویل» در اینجا به معنای شر یا غم و اندوه یا هلاکت یا عذاب دردناک و یا وادی سخت و سوزانی در دوزخ است، و معمولاً این واژه، هنگام نفرین و بیان زشتی چیزی به کار می‌رود. (۵)

نکته قابل توجه آنکه گرچه آیه فوق تنها از کم‌فروشی درباره کیل و وزن سخن می‌گوید؛ بدون شک، مفهوم آیه وسیع است و هر گونه کم‌فروشی را شامل می‌شود؛ چنان‌که می‌تواند با استفاده از الغای خصوصیت، کم‌گذاشتن در خدمات را نیز فرا گیرد؛ حتی بعضی برای آیه، توسعه بیش‌تری قائل شده و هر گونه تجاوز از حدود الهی و کم‌گذاشتن در روابط اجتماعی و اخلاقی را مشمول آن دانسته‌اند؛ (۶) از اینرو از عبد الله بن مسعود، صحابی معروف نقل شده است که گفت: «تماز نیز قابل پیمانه است! کسی که کیل آن را به طور کامل ادا کند خداوند پاداش او را کامل می‌دهد، و هر کس از آن کم بگذارد درباره او همان جاری می‌شود که خداوند درباره مطففین (کم‌فروشان) فرموده است.» (۷)

بنابراین کم‌فروشی در همه مشاغل قابل بررسی است.

3. رشوه

یکی از بارزترین مصادیق مال حرام، رشوه است. رشوه معمولاً شامل هر چیزی است که برای باطل کردن حق دیگران داده می‌شود. جایگاه رشوه در اسلام به حدی است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و واسطه بین دهنده و گیرنده را لعن و نفرین می‌کند: «لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالْمَاشِيَّ بَيْنَهُمَا» (۸) خدا لعنت کند رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و واسطه بین آنها را.»

گرچه از بارزترین مصادیق رشوه، دادن پول یا چیز دیگر به قاضی است؛ اما منحصر به آن نمی‌شود. به طور کلی هر چیز و با هر نامی که باعث جلب اعتماد دیگران شود و به واسطه آن، حق و حقوق دیگران پایمال شود رشوه به حساب می‌آید؛ برای نمونه:

هدیه‌ای که به کارمند اداره داده می‌شود تا بررسی پرونده را بر پرونده‌های دیگر که در نوبت هستند مقدم کند.

هدیه‌ای که به بازرس شهرداری برای تأیید پایان کار و... داده می‌شود.

هدیه‌ای که به کارمند بانک داده می‌شود تا احداث خانه و... را در ازای وام بانکی تأیید کند.

هدیه‌ای که به افسر پلیس و کارمند بیمه داده می‌شود تا طرف مقابل را به عنوان مقصر معرفی کند.

هدیه به پلیس برای عدم جریمه یا تخفیف در آن.

هدیه‌ای که به قاضی داده می‌شود تا زمان دادگاه به تعویق افتد.

هدیه‌ای برای استخدام خارج از ضوابط اداری یا طراحی برای برنده شدن در مناقصه و... ..

در نهج البلاغه در داستان هدیه آوردن «اشعث بن قیس» می‌خوانیم: اشعث برای پیروزی بر طرف دعوی خود در محکمه عدل علی‌علیه‌السلام به رشوه متوسل شد و شبانه، ظرفی پر از حلوی لذیذ به در خانه علی‌علیه‌السلام آورد و نام آن را هدیه گذاشت. امیر مؤمنان علی‌علیه‌السلام برآشت و فرمود: «هَبَلْتُكَ الْهَبُولُ أَعَنْ دِينَ اللَّهِ أَتَيْتَنِي لِتَخْدَعَنِي أُمُخْتَبِطًا دُو جِنَّهٍ تَهْجُرُ وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيتُ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى أَنْ أُغْصِيَ اللَّهُ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا مَا لِعَلِي وَنَعِيمٍ يَفْنَى وَ لَذَّةٍ لَا تَبْقَى؛ (۹) زنان بچه مرده بر تو بگیرند. آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی؟ یا عقلت آشفته شده یا جن زده شدی؟ یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند! اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمانهای آنهاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای [به ظلم] بگیرم، چنین نخواهم کرد. همانا دنیای شما از برگ جویده‌ای در دهان ملخ برای من پست‌تر است. علی را با نعمتهای فانی و لذتهای ناپایدار چه کار؟»

بنابراین اسلام، رشوه را در هر شکل و قیافه‌ای محکوم کرده است. اسلام حتی برای اینکه قاضی، گرفتار رشوه‌های مخفی و ناپیدا نشود، دستور می‌دهد قاضی نباید شخصا به بازار برود مبادا تخفیف قیمتها به‌طور ناخودآگاه روی قاضی اثر بگذارد و در قضاوت، از تخفیف‌دهنده جانبداری کند. چه خوب است مسلمانان از کتاب آسمانی خود الهام بگیرند و همه چیز خود را در پای بت رشوه‌خواری قربانی نکنند. (۱۰)

4. توجه نکردن به بیت المال

زندگی در اجتماع و داد و ستد با مردم، انسان را ناگزیر از تصرف در بیت المال می‌کند. مکانهای عمومی، پارکها، وسایل نقلیه عمومی، مساجد، مدارس و... همه با بیت المال ساخته شده‌اند و انسان در زندگی روزمره خویش از آنها استفاده می‌کند؛ اما هر گونه استفاده غیرمجاز از بیت المال سبب داخل شدن مال حرام در زندگی انسان می‌شود؛ چرا که هر گونه ضرر و زیان به بیت المال سبب می‌شود ارزش آن شیء کم شود و انسان در قبال آن ضرر و زیان، بدهکار شود و نپرداختن آن بدهی باقی ماندن مال بیت المال در اموال محسوب می‌شود و حرام است.

چند نمونه

صحنه‌سازی برای دریافت حق بیمه، دستکاری کنتور برای کم نشان دادن مصرف واقعی و صدها مورد مشابه، از مصادیق اضرار به بیت المال و جذب مال حرام است؛ چرا که در این موارد به میزان مصرف از بیت المال، استفاده کننده، مدیون بیت المال است و عدم واریز این وجوه به حساب بیت المال به معنای مخلوط شدن این پول که مربوط به همه ملت است با در آمد اوست و در این صورت، حق تصرف در اصل پولش را نخواهد داشت. (۱۱)

همچنین استفاده از دفترچه بیمه دیگران، استفاده شخصی از وسایل نقلیه دولتی و عمومی، استفاده شخصی از وسایل اداری مثل تلفن، فتوکپی و... بدون اجازه مسئولان (۱۲) نمونه‌های دیگری از استفاده از بیت المال است که در قبال آن وجهی به حساب بیت المال واریز نمی‌شود.

نامه امیرمؤمنان علی‌علیه‌السلام به کارگزاران خویش، تابلویی ماندگار برای همه مسلمانان است که در استفاده از بیت المال دقت لازم را به خرج دهند: «أَدِقُّوا أَفْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ اخْذِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ اقْصِدُوا قَصْدَ

الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ؛ (۱۳) نوک قلمهای خویش را تیز کنید، میان سطرهای نوشته زیاد فاصله نیندازید، حرفهای زیادی را حذف کنید [و روی کاغذ نیاورید]، به بیان اصل معنا بپردازید، از زیاده‌روی در مصرف پرهیز کنید؛ زیرا بیت المال تحمل این‌گونه ضررها را ندارد». آنچه قابل ملاحظه است آنکه این اخطار امام‌علیه‌السلام درباره استفاده از بیت المال، در راستای اجرای برنامه‌های حکومت و دولت است و به یقین، استفاده‌های دیگر از بیت المال — که در بالا به آن اشاره شد — دقتی دیگر می‌طلبد.

5. بی‌توجهی به مال یتیم

یکی از راههای مبتلا شدن به مال حرام، استفاده از مال یتیم است. اهمیت این موضوع تا بدانجاست که اسلام تأکید می‌نماید که نباید اموال آنها را با اموال خویش مخلوط ساخت؛ به گونه‌ای که نتیجه آن، تملک همه آنها باشد و نیز نباید اموال خوب آنان را با اموال بد خود مخلوط کرد؛ زیرا نتیجه‌اش پایمال شدن حق یتیمان است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا»؛ (۱۴) «و اموال بد [خود] را، با اموال خود [آنها] عوض نکنید و اموال آنان را همراه اموال خودتان [با مخلوط کردن یا تبدیل کردن] نخورید؛ زیرا این گناه بزرگی است.» و نیز در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا»؛ (۱۵) «کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند، [در حقیقت] تنها آتش می‌خورند و به زودی در شعله‌های آتش [دوزخ] می‌سوزند».

متأسفانه در بعضی خانواده‌ها پس از فوت پدر، خواهران و برادران بزرگ‌تر بدون توجه به برادر و خواهر نابالغ خود، ارث را بین خود تقسیم می‌کنند و ارثی برای آنان باقی نمی‌گذارند و یا بدون در نظر گرفتن حکم اسلام، مبلغ ناچیزی را برای آنها کنار می‌گذارند؛ در حالی که اسلام برای جنین در رحم مادر که پدرش فوت شده نیز همانند دیگران ارث مقرر فرموده است. (۱۶)

اینجاست که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «يُبْعَثُ نَاسٌ عَنْ قُبُورِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَأْجَحُّ أَفْوَاهُهُمْ نَارًا فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا»؛ (۱۷) در قیامت، عده‌ای از گورهایشان بیرون می‌آیند؛ در حالی که از دهان آنها آتش زبانه می‌کشد. عرض شد یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله! آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که اموال یتیمان را به ناحق می‌خورند، آنان در شکم‌هایشان آتش می‌ریزند و به زودی در جهنم افکنده می‌شوند».

و نیز فرمود: «شَرُّ الْمَأْكَلِ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ»؛ (۱۸) بدترین خوردنیها، خوردن [ظالمانه] مال یتیم است. (۱۹)

6. خمس و زکات

خمس و زکات نیز از جمله واجبات و ترک آن باعث حرمت تصرف در اموال است. (۲۰) بنابر صریح آیات و روایات، فقیران در اموال ثروتمندان شریک‌اند (۲۱) و نپرداختن زکات [برای کسانی که زکات بر آنان واجب است] به معنای تصرف در حق فقیران است. به همین سبب امام صادق‌علیه‌السلام تصریح می‌فرماید: «کسی که در پرداخت زکات کوتاهی می‌کند، هنگام مرگ، مسلمان از دنیا نمی‌رود.» (۲۲)

ثروتی که زکات، خمس، حق سائل، حق محروم و دیگر حقوق شرعی آن پرداخت نشده، حلال مخلوط به حرام است و تصرف در آن جایز نیست، و خوراندن حرام یا حلال مخلوط به حرام به زن و بچه و دیگران، خود معصیتی غیر از معصیت به دست آوردن حرام است.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «شَرُّ الْأَمْوَالِ مَا لَمْ يَخْرُجْ مِنْهُ حَقُّ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ (۲۳) بدترین اموال، آن مالی است که حق خدا (خمس - زکات) از آن خارج نشده است».

7. عدم تخصص

همان طور که عوامل ابتلا به مال حرام در معاملات گفته شد، نداشتن تخصص، یکی از بارزترین عوامل کسب مال حرام است. متأسفانه این مسئله که ناشی از نداشتن توانایی بر ابراز ناآگاهی است، باعث مخلوط کردن مال حلال و حرام می شود؛ برای نمونه بسیار اتفاق افتاده است که دکتری علت یک بیماری را متوجه نشده است؛ اما به علت اینکه حق ویزیت را به بیمار بر نگرداند یا بیمار را به متخصص دیگری ارجاع ندهد و یا به سبب ابراز ناآگاهی از این بیماری، برای اینکه بیماران دیگر خود را از دست ندهد، نسخه ای می نویسد و علاوه بر حق ویزیت، هزینه خرید دارو را نیز بر دوش بیمار می گذارد. یا نویسندehای که درآمد خود را در نوشتن موضوعی می بیند که تخصصی در آن ندارد و عده ای با خواندن این نوشته در انتخاب راه درست به تردید می افتند و یا منحرف می شوند. (۲۴) و بسیاری دیگر از درآمدهایی که از راه عدم تخصص به دست می آید از عوامل درآمد حرام است.

خلاصه آنکه لازم است همه مؤمنان در درآمدهای خود علاوه بر آگاهی، دقت بیشتری داشته باشند و از هر کار مشکوکی که انسان را در این ورطه قرار دهد بپرهیزند و روحانیان و مبلغان نیز عوامل ابتلا به مال حرام را که در این نوشتار به چند نمونه آن اشاره شده شناسایی و به مؤمنان معرفی کنند.

این سخن را با شعری از مرحوم الهی قمشه ای به پایان می بریم که:

به روزی در پی کسب حلال اند به حشر، آسوده زانده و وبال اند

دهد رزق حلال آسایش دل شود بر طاعت دلدار مایل

ستمکاری که جویای حرام است ز خون مردمش عیش مدام است

بیند روی آسایش شب و روز بسوزد عاقبت آن آتش افروز

حرام از دل بُرد مهر و وفا را کند ناپاک، قلب با صفا را

خرد را داور بیداد سازد روان شاد را ناشاد سازد

حرام آرد به دل صد فکر باطل کند جان را ز یاد دوست غافل

هر آن کو بیشه ناپاک دارد به محشر، جان خود غمناک دارد

نیفتد طائر دولت به دامش بریزد زهر حسرت در مذاقش

حرام اندوه و غمناکی فزاید به جان پاک، ناپاکی فزاید

حرام است آنچه یابی یا حلال است به تقدیر است و بیش و کم محال است

همان به جز طریق دین نبوی حلال از سفره تقدیر، جویی

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

پی‌نوشت‌ها:

- (۱) ص / ۸۲.
- (۲) ص / ۸۳.
- (۳) سخنرانی مهرماه ۹۷.
- (۴) مطففین / ۱.
- (۵) تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۶، ص ۲۴۵.
- (۶) برگرفته از تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۴۷.
- (۷) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۶۸۷.
- (۸) جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۵۶.
- (۹) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه تحقیقاتی امیر المؤمنین علیه السلام، بوستان کتاب، قم، خطبه ۲۲۴.
- (۱۰) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۸.
- (۱۱) شبیه چنین موردی در مسئله خمس دیده می‌شود؛ چنان‌که همه علما بر این امر اتفاق دارند که تا خمس مال داده نشود، نمی‌توان در آن مال تصرف کرد. اگر چه قصد دادن خمس را داشته باشد (مگر اینکه حاکم شرع اجازه تصرف داده باشد). توضیح المسایل مراجع، سید محمد حسن بنی‌هاشمی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش، ج ۲، ص ۳۵، مسئله ۱۷۹۰.
- (۱۲) اجازه مسئولان یک اداره نیز به شرطی قابل قبول است که خود به احکام شرع، آگاه و مقید باشند.
- (۱۳) الخصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۳۱۰.
- (۱۴) نساء / ۲.
- (۱۵) همان / ۱۰.
- (۱۶) توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۱۵، مسئله ۲۷۸۵.
- (۱۷) بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۲، ص ۱۰.
- (۱۸) من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق، ج ۴، ص ۳۷۷.
- (۱۹) مجله مبلمان، ش ۱۲۲.
- (۲۰) ذکر این نکته ضروری است که وجوب خمس و زکات، شرایط خاصی دارد که لازم است با مراجعه افراد به رساله مرجع خود از وجوب و عدم وجوب خمس یا زکات در مال خود آگاهی یابند.
- (۲۱) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷؛ و التفسیر المنسوب الی الامام العسکری، مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۶۴.
- (۲۲) روضه الواعظین، محمد بن حسن فتال نیشابوری، انتشارات رضی، قم، ج ۲، ص ۳۵۶.
- (۲۳) غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۶۹.
- (۲۴) البته سخن درباره نویسندگان متعهد به مبانی اسلامی است؛ و گرنه نویسندگان غیرمتعهد که به طور عمدی عقاید مردم را متزلزل می‌کنند از محل بحث خارج‌اند